

اعتماد دخترانه پایان تلخی داشت

تصفیه حساب خونین با خواستگار شیطان صفت دختر عمه



گروه حوادث: پسر جوان وقتی شنید خواستگار جوان و دوستش در اقدامی سیاه دختر عمه‌اش را هدف تجاوز قرار داده دست به چاقو شد. اوایل هفته گذشته پسر جوانی به نام رضا پای شعبه ۵ دادسرای ناحیه ۳۴ تهران گذاشت و از ماجرای عجیب کتک خوردن از سوی جوان ناشناسی خبر داد. رضا ۲۷ ساله به باز پرس پرونده گفت: یک بنگاه املاک مسکن دارم و روز گذشته مرد جوانی با مراجعه به بنگاه ادعا کرد که یک خانه مورثی داریم و از من خواست برای قیمت گذاری به خانه شان بروم. وی افزود: همه چیز عادی به نظر می رسید تا اینکه وارد ساختمان شدم که ناگهان پسر جوانی با تهدید چاقو مرا به باد کتک گرفت و پس از کتک آن با چاقو روی سینه ام را خط خلی کرد و مرا از خانه بیرون انداخت. بدین ترتیب تیمی از ماموران

به دستور باز پرس علی وسیله ایرد موسی برای دستگیری عامل این چاقو کشی عجیب وارد عمل شدند. ماموران با اقدامات فنی و پلیسی موفق به شناسایی مخفیگاه پسر جوان که امیر نام دارد شدند و در عملیاتی غافلگیرانه جوان چاقو کش دستگیر شد. امیر پس از دستگیری به ماموران گفت: رضا خواستگار دختر عمه ام که ۲۳ ساله و دانشجوی است بود و چندی قبل همراه خانواده اش به خواستگاری مریم رفتند و با توجه به اینکه هر ۲ خانواده نسبت به این ازدواج نظر مثبت داشتند قرار شد تا رضا و مریم مدتی با هم در ارتباط باشند تا شناخت بیشتری به همدیگر پیدا کنند. وی افزود: چند روز قبل رضا با مریم قرار ملاقات گذاشته بود و با هم به خانه یکی از دوستان رضارفته بودند اما در این ماجرا رضا و دوستش در اقدامی تلخ دختر عمه ام را مورد تجاوز قرار داده و او را از خانه بیرون کرده اند. امیر در حالیکه با چهره‌ای عصبانی درباره این اتفاقات حرف می زد ادامه داد: ابتدا متوجه ماجرا نشده بودم اما مدتی بود که دختر عمه ام نا آرام شده بود تا اینکه از خانواده اش پیگیری ماجرا شدم و فهمیدم که خواستگار جوان به

مریم خیانت شومی انجام داده است. باورش بر این سخت شده بود به همین خاطر تصمیم گرفتم رضارا ادب کنم و چند روز او را تعقیب کردم و وقتی دیدم او در بنگاه املاک مسکن کار می کند نقشه‌ای را طراحی کرده و به بهانه قیمت گذاری خانه مورثی، رضا را به خانه کشاندم و در آنجا او را به باد کتک گرفتم. پسر عمه غیرتی گفت: قبل از اینکه من به سراغ رضا بروم دختر عمه ام از خواستگار شکایت کرده است اما به خاطر این اتفاق از نظر روحی و روانی به هم ریخته است و قصد داشته چند روز از این ماجرا بگذرد و با آرام شدن اوضاع شکایتش را پیگیری کند. **ادعای بیگناهی خواستگار** رضا وقتی در برابر اتهام تجاوز به دختر جوان قرار گرفت ادعای عجیبی را مطرح کرد و گفت: بعد از اینکه به خواستگاری مریم رفتم قرار شد تا برای شناخت بیشتر مدتی با هم در ارتباط باشیم تا اینکه یک روز با مریم به خانه یکی از دوستان رفتم. وی افزود: هیچ نقشه‌ای از قبل طراحی نکرده بودیم و من قصد داشتم تا با مریم از دواج کنم تا اینکه داخل خانه با مریم و دوستم نشسته بودیم که منصور از من خواست به بیرون خانه بروم و خرید انجام دهم.

اخبار حوادث

خودکشی زن جوان تهرانی در استوری لایو اینستاگرام

زن جوان در حالی که با همسرش از طریق اینستاگرام صحبت می کرد مقابل چشمان حیرت زده وی خودکشی کرد.

ساعت ۲۰:۱۰ دقیقه ظهر شنبه ۲۰ مرداد مرد جوانی همسرش را که نیمه جان بود به بیمارستان فرمانیه رساند. بلافاصله تلاش کادر درمان برای نجات وی آغاز شد اما زن ۳۱ ساله ساعتی بعد تسلیم مرگ شد.

با مرگ زن جوان موضوع از سوی مأموران کلانتری ۱۲۳ نیابوران به باز پرس سجاد منافی آذر در شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران و تیم تحقیق اعلام شد.

در تحقیقات صورت گرفته همسر وی گفت: مدتی است که با شهلا اختلاف پیدا کرده ام به همین خاطر ۱۰ روز قبل به حالت قهر خانه را ترک کردم. چون تصمیم به جدایی داشتم مراحل طلاق را انجام دادم و به همسر هم گفتم اما ساعاتی قبل همسرم در اینستاگرام فیلمی گذاشت و شروع به صحبت با من کرد.

او گفت به خاطر اختلافاتی که داشته ایم دست به خودکشی می زند. بعد هم مادها را داخل آیموبه ریخت و آن را نوشید. خیلی برایش پیام فرستادم که دست به این کار نزن. اما شهلا به حرف های من توجه نکرد. بلافاصله خودم را به خانه رساندم اما مادرش شده بود. او را به بیمارستان رساندم اما نتوانستیم نجاتش دهیم. به دستور باز پرس سجاد منافی آذر، تحقیقات در رابطه با مرگ زن جوان ادامه دارد.

شلیک مرگبار پدر به پسر در یاسوج

پدری در یاسوج با اسلحه، فرزند جوان خود را به قتل رساند. شامگاه یکشنبه پدری در یکی از مناطق شهر یاسوج با اسلحه کمری، فرزند جوان خود را به قتل رساند. براساس این گزارش هویت این جوان یاسوجی معلوم است و علیرغم انتقال وی به بیمارستان شهید بهشتی یاسوج تلاش ها برای زنده ماندنش بی نتیجه ماند.

هنوز علت دقیق حادثه و انگیزه پدر از به قتل رساندن فرزند خود مشخص نیست.

هنرمند صدا و سیما در حادثه

سید محسن ولی از هنرمندان صدا و سیما مرکز سمنان در حادثه رانندگی تسلیم سرنوشت مرگباری شد.

سهرنگ تقی کبیری رئیس پلیس راه استان سمنان گفت: در این سانحه که به علت تغییر مسیر سواری رتورخ داد، ۴ نفر مجروح شدند که یکی از آنها پدر بیمارستان جان سپرد.

جان باخته این حادثه «سید محسن ولی» یکی از هنرمندان صدا و سیما می باشد. سمنان است. شادروان ولی در بخش برنامه های نمایش رادیو و تلویزیون به عنوان بازیگر و در برنامه های طنز به عنوان مجری فعالیت می کرد.

وی در آخرین همکاری خود با صدا و سیما مرکز سمنان، در جنگ شبانه «و اینک بهار» در نقش شخصیت «مثلا» بازی کرد.

سقوط مرگبار تخته سنگ ۳ تنی در اصفهان

سقوط تخته سنگی در اصفهان جان مرد ۳۰ ساله را گرفت. رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی اصفهان گفت: ساعت ۱۴:۱۵ دقیقه روز ۲۱ مرداد ماه، مردی ۳۰ ساله بر اثر گیر کردن زیر سنگی ۳ تنی، جان خود را از دست داد.

غفور راستین از سقوط تخته سنگ ۳ تنی از کوه خیر داد و اظهار کرد: ساعت ۱۴ و ۱۵ دقیقه روز ۲۱ مرداد ماه با ۱۵ تماسی گرفته شد مبنی بر گیر کردن فردی ۳۰ ساله زیر تخته سنگ ۳ تنی که از کوه افتاده بود.

وی افزود: مصدوم مردی ۳۰ ساله و راننده لودر معدن سنگ بود، این حادثه در معدن سنگ در ۳۰ کیلومتری زفره به سمت سجزی رخ داد.

رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی اصفهان عنوان کرد: شکم و اندام تحتانی مصدوم به طور کامل زیر سنگ بوده و در زمان رسیدن پرسنل اورژانس کاملاً هوشیار و پاسخگو بوده است، اقدامات درمانی از جمله سرم درمانی و اکسیژن درمانی برای وی آغاز و همچنین سر و گردن مصدوم حفظ شده بود.

وی ادامه داد: پس از جا به جا کردن سنگ، مصدوم به علت از دست دادن ناگهانی خون و مایعات بدن، دچار ایست قلبی تنفسی شد، عملیات احیا به مدت ۳۰ دقیقه توسط پرسنل اورژانس انجام گرفت ولی موفقیت آمیز نبود و فرد آسیب دیده فوت کرد.



تصمیم به سرقت گرفتم. وی افزود: از قبل این بر چسب بازی انگری بر روی پلاک موتور نصب کرده بودم و همین باعث شده بود کمی پلاک موتور را مخدوش کند اما هیچ وقت فکر نمی کردم



که با رامین داشت حاضر به شهادت نشد. سپس متهم روبه روی قضات ایستاد و گفت: من و همسر صیغه ای ام در خانه بودیم که جواد مقابل در آمد و به زور وارد خانه شد. او فحاشی می کرد و مقابل همسرم فحش های زشت به زبان می آورد. سعی کردم او را آرام کنم اما نشد. همسرم ترسیده و به اتاق رفته بود و مدام جیغ می کشید. جواد با چاقو و شکاری که در دست داشت به سمت من حمله کرد و من برای دفاع از خودم بششقای را که روی میز بود به سمت او پرتاب کردم. او می خواست با چاقو مرا بزند که تکه شکسته بشقاب را به سمت او پرت کرد تا مانع او شوم اما تکه شکسته بشقاب با صورتش برخورد کرد و موجب نابینایی چشم او شد.

وی ادامه داد: من از اتفاقی که رخ داده متأسفم و از جواد طلب بخشش دارم. من برای دفاع از خودم به ناچار بشقاب را به سمت جواد پرتاب کردم. در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد تا رای صادر کند.

ماجرا: گفت شوهر خواهرم سر ناساز گاری داشت. او معتاد بود و بارها خواهرم را کتک زده بود. خواهرم می خواست از او جدا شود اما اصغر حاضر به جدایی نبود. آخرین بار وقتی حرف های خواهرم را شنیدم دلم برایش سوخت و به او قول دادم کمکش کنم. به همین خاطر به معازه پدر حبیب رفتم و از او خواستم تا با پرسش صحبت کند و او را برای جدایی از خواهرم قانع کند. من به پدر حبیب گفتم اگر پسرش به ادامه زندگی مشترک با خواهرم علاقه ای ندارند بهتر است آنها توافقی از هم جدا شوند. پدر حبیب هم که از پر خاشگری های پسر معتادش ناراحت بود با من در دودل کرد و گفت حبیب او و همسرش را هم اذیت می کند. من در حال صحبت کردن با پدر حبیب بودم که یک نفر با چوب به سرم کوبید. وقتی بر گشتم متوجه حضور حبیب در معازه پدرش شدم. او که حرف های ما را شنیده بود بسیار عصبانی بود. او

دستگیری سارق تکر

همین کافی بود تا تیمی از ماموران پلیس پایتخت برای دستگیری سارق جوان به جلوی در خانه پسر همسایه رفت و زمانیکه جوان متهم از خانه خارج شد خود را در برابر ماموران دید.

کیوان ابتدا خود را بیگانه می دانست اما وقتی پیش روی سمانه قرار گرفت و با توجه به مدارک پلیسی پرده از سرقت هایش برداشت.

پسر جوان زمانیکه شنید بر چسب انگری بر روی پلاک موتور سیکلنش دست او را رو کرده به ماموران گفت: مدتی بود که بیکار بودم و برای تأمین هزینه های زندگی ام

دستگیری سارق تکر

همین کافی بود تا تیمی از ماموران پلیس پایتخت برای دستگیری سارق جوان به جلوی در خانه پسر همسایه رفت و زمانیکه جوان متهم از خانه خارج شد خود را در برابر ماموران دید.

کیوان ابتدا خود را بیگانه می دانست اما وقتی پیش روی سمانه قرار گرفت و با توجه به مدارک پلیسی پرده از سرقت هایش برداشت.

پسر جوان زمانیکه شنید بر چسب انگری بر روی پلاک موتور سیکلنش دست او را رو کرده به ماموران گفت: مدتی بود که بیکار بودم و برای تأمین هزینه های زندگی ام

دستگیری سارق تکر

همین کافی بود تا تیمی از ماموران پلیس پایتخت برای دستگیری سارق جوان به جلوی در خانه پسر همسایه رفت و زمانیکه جوان متهم از خانه خارج شد خود را در برابر ماموران دید.

کیوان ابتدا خود را بیگانه می دانست اما وقتی پیش روی سمانه قرار گرفت و با توجه به مدارک پلیسی پرده از سرقت هایش برداشت.

پسر جوان زمانیکه شنید بر چسب انگری بر روی پلاک موتور سیکلنش دست او را رو کرده به ماموران گفت: مدتی بود که بیکار بودم و برای تأمین هزینه های زندگی ام

دستگیری سارق تکر

همین کافی بود تا تیمی از ماموران پلیس پایتخت برای دستگیری سارق جوان به جلوی در خانه پسر همسایه رفت و زمانیکه جوان متهم از خانه خارج شد خود را در برابر ماموران دید.

کیوان ابتدا خود را بیگانه می دانست اما وقتی پیش روی سمانه قرار گرفت و با توجه به مدارک پلیسی پرده از سرقت هایش برداشت.

پسر جوان زمانیکه شنید بر چسب انگری بر روی پلاک موتور سیکلنش دست او را رو کرده به ماموران گفت: مدتی بود که بیکار بودم و برای تأمین هزینه های زندگی ام

دستگیری سارق تکر

همین کافی بود تا تیمی از ماموران پلیس پایتخت برای دستگیری سارق جوان به جلوی در خانه پسر همسایه رفت و زمانیکه جوان متهم از خانه خارج شد خود را در برابر ماموران دید.

کیوان ابتدا خود را بیگانه می دانست اما وقتی پیش روی سمانه قرار گرفت و با توجه به مدارک پلیسی پرده از سرقت هایش برداشت.

پسر جوان زمانیکه شنید بر چسب انگری بر روی پلاک موتور سیکلنش دست او را رو کرده به ماموران گفت: مدتی بود که بیکار بودم و برای تأمین هزینه های زندگی ام

دستگیری سارق تکر

همین کافی بود تا تیمی از ماموران پلیس پایتخت برای دستگیری سارق جوان به جلوی در خانه پسر همسایه رفت و زمانیکه جوان متهم از خانه خارج شد خود را در برابر ماموران دید.

خبر

زن باهوش دزدش را شناسایی کرد

«پرنده گان خشمگین» کیف قاپ را لو دادند

گروه حوادث: تیزهوشی زن جوان دست دزد کیف زنانه اش را رو کرد.

عصر دوشنبه ۱۵ مرداد ماه امسال زن جوانی در حال عبور در خیابان بود که ناگهان جوان موتور سواری با سرعت در کنار زن جوان قرار گرفت و کیف دستی زنانه را قاپید و فرار کرد.

زن جوان شوکه شده بود و چند قدمی به تعقیب جوان موتور سوار دوید اما می فایده بود و تنها چیزی که از دزد کیفش به خاطر سپرد بر چسب عکس انگری بر دزد بود.

سمانه احساس می کرد این موتور سیکلت را با این بر چسب قیله دیده است و پس از اعلام سرقت کیف دستی اش به پلیس در فکر بود

دستگیری سارق تکر

همین کافی بود تا تیمی از ماموران پلیس پایتخت برای دستگیری سارق جوان به جلوی در خانه پسر همسایه رفت و زمانیکه جوان متهم از خانه خارج شد خود را در برابر ماموران دید.

کیوان ابتدا خود را بیگانه می دانست اما وقتی پیش روی سمانه قرار گرفت و با توجه به مدارک پلیسی پرده از سرقت هایش برداشت.

پسر جوان زمانیکه شنید بر چسب انگری بر روی پلاک موتور سیکلنش دست او را رو کرده به ماموران گفت: مدتی بود که بیکار بودم و برای تأمین هزینه های زندگی ام

دستگیری سارق تکر

همین کافی بود تا تیمی از ماموران پلیس پایتخت برای دستگیری سارق جوان به جلوی در خانه پسر همسایه رفت و زمانیکه جوان متهم از خانه خارج شد خود را در برابر ماموران دید.

کیوان ابتدا خود را بیگانه می دانست اما وقتی پیش روی سمانه قرار گرفت و با توجه به مدارک پلیسی پرده از سرقت هایش برداشت.

پسر جوان زمانیکه شنید بر چسب انگری بر روی پلاک موتور سیکلنش دست او را رو کرده به ماموران گفت: مدتی بود که بیکار بودم و برای تأمین هزینه های زندگی ام

دستگیری سارق تکر

همین کافی بود تا تیمی از ماموران پلیس پایتخت برای دستگیری سارق جوان به جلوی در خانه پسر همسایه رفت و زمانیکه جوان متهم از خانه خارج شد خود را در برابر ماموران دید.

این مرد دامادشان را اگشته بود

بازگشت مرد اعدا می به زندگی

گروه حوادث: مرد جوان که شش سال قبل شوهر خواهر معتادش را اگشته بود از قصاص رهایی یافت.

این مرد دیروز از جنبه عمومی جرم محاکمه شد. اصغر ۴۰ ساله شش سال و نیم قبل در بیست و هفتم بهمن ماه سال ۹۰ به دنبال درگیری با شوهر خواهر معتادش به نام حبیب وی را با ضربه چاقو در یکی از خیابان های شوش کشت و همانجا بازداشت شد.

اصغر به درگیری اعتراف کرد و به بازسازی صحنه جرم پرداخت و در حالی که پدر و مادر حبیب برای وی حکم قصاص خواسته بودند و به قصاص محکوم شد.

حکم صادره در دیوان عالی کشور مهر تأیید خورده و قطعی شده بود که وی توانست رضایت اولیای دم را بعد از گذشت ۶ سال و نیم از جنایت جلب کند و به زندگی برگردد.

وی دیروز در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی اصغر عبداللهی و با حضور یک مستشار پای میز محاکمه ایستاد. در ابتدای این جلسه نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و گفت: با توجه به رضایت اولیای دم طبق ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی و جنبه عمومی جرم برای اصغر تقاضای مجازات دارم.

سپس متهم در جایگاه ویژه ایستاد و در تشریح جزئیات